

## بررسی جایگاه تربیتی زنان در اجتماع از منظر نهج البلاغه

فاطمه کاربخش راوری<sup>۱</sup>

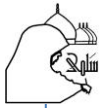
### چکیده

در طول تاریخ به ویژه قبل از اسلام بیشتر، شخصیت و جایگاه زنان به پایینترین حد تنزل یافته بود، دین اسلام با قوانین خود و گفتار و رفتار پیامبری که رحمة للعالمین بود، شخصیت از دست رفته زنان را احیا کرد و علاوه بر شانیت پیدا کردن و ارتقایافتن شخصیت زنان در خانواده، بیش از پیش او را وارد صحنه اجتماع کرد.

مقاله فوق باتامل در نهج البلاغه، نقش زن در جامعه را از منظر امام به دو صورت مستقیم و غیرمستقیم تعبیر نموده، فعالیت مستقیم او همان حضور فیزیکی زن در جامعه و خدمتی که بدون واسطه ارائه میدهد؛ و فعالیت غیرمستقیم وی با در نظر گرفتن نقش کلیدی و محوری زن در خانواده و به تبع کمک شایانی که از طریق پرورش فرزندان و همسر داری انجام میدهد، بزرگترین خدمت رابه اجتماع دارد.

میتوان گفت: از منظر امام علی (علیه السلام) چگونگی نقش و فعالیت مستقیم زن در اجتماع با تکبر و قاطعیت، حفظ حریم و قاطعیت و اندیشیدن عاقلانه میباشد و نیز نقش غیرمستقیم وی هم شامل نقش تربیتی زن در خانواده و نقش وراثتی وی است. از این رو مجموعه صحبت‌های حکیمانانه امام علی (علیه السلام) پیرامون نقش کلیدی و محوری زن در اجتماع، علاوه

<sup>۱</sup> - کارشناسی ارشد رشته علوم حدیث (گرایش نهج البلاغه)، دانشگاه قرآن و حدیث،



برمطابقت بادستورات دین، حکایت از مؤثرترین و شایسته ترین خدمت‌ها به جامعه و اسلام دارد.

پژوهش فوق به شیوه کتابخانه ای و اسنادی فرآیند تحقیق را به انجام رسانده است.

کلید واژه ها: زن، اجتماع، امام علی علیه السلام، تربیت

## مقدمه

زن در اسلام همچون مرد دارای جایگاه یکسانی میباشد مگر در میزان تقوای ؛ که ملاک ارزش و برتری همگان است. خداوند در این باره می فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ لَتُنْفَاكُمْ إِنَّ لِلَّهِ عِلْمٌ خَيْرٌ» (حجرات / ۱۳)

با ورود اسلام به شبه جزیره عربستان پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) با برخی رفتارهای نا مناسب جاهلی، که اعراب بادختران و همسران خود داشتند، برخورد نمودند که علاوه برشانیت پیدا کردن و ارتقا یافتن شخصیت آنان در خانواده، بیش از پیش وارد صحنه اجتماع هم شدند.

زنان صدر اسلام در نهضت بزرگ اجتماعی — سیاسی هجرت نیز شرکت کردند و مهاجرت آنان چون مردان و بدون هیچ تفاوتی پذیرفته و در وحی شریف، به عنوان پدیده‌ای اصیل مطرح شد. آنهم دردورانی که زنان از اکثریت حقوق خویش محروم بودند و حق دخالت در کوچکترین مسائل اجتماعی را نداشتند.

پیامبر (صلی الله علیه وآله) طبق دستور قرآن کریم با زنان مستقلاً بیعت می‌کند و بر سراسول و معیارهایی پیمان می‌بستند، لکن باید متذکر شد؛ که اسلام همانطور به مشارکت زن در اجتماع، بها می‌دهد برای حضور وی در جامعه و مقابل بیگانگان، حد و حدودی قائل است تا علاوه بر حفظ شأنیت زن، جامعه هم دچار آسیب نشود.



اکنون در این نوشته برآنیم با تامل در سخنان امیرالمؤمنان (علیه السلام) که آینه تمام نمای اسلام والگوی والای مسلمان است به بررسی نقش زن در اجتماع پرداخته و بالاخص چهره نمایان زنان در کلام بلیغ حضرت را مدنظر قرار دهیم.

"زن در نهج البلاغه ترسیم طرحی یک بعدی از چهره ی کامل زن در قرآن است. فضای این طرح را جوی آکنده از فتنه های زمانه ودسیسه های سیاسی دربرگرفتهاست. زنان ما در نهج البلاغه با عباراتی چون عقرب، شر، ناقص العقل، ناقص الایمان، و ناقص البهره وصف شده اند ومع الاسف اکثر شارحان نهج البلاغه نیز در جهت اثبات این مطلب برآمده اند" (علانی رحمانی، ۱۳، ۱۳۷۲)

با این اوصاف سعی شده بانگاهی بدور از تعصب؛ بدین سوالات پاسخ دهیم که از منظر حضرت علی (علیه السلام) اساسا زن در اجتماع میتواند نقشی ایفا کند؟! و چه بسا فراتر از آن، خدمتی هم به جامعه داشته باشد؟!

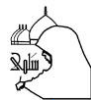
## زن در اسلام

در طول تاریخ به ویژه قبل از اسلام بیشتر به دلیل برتری جسمانی مردان بر زنان، شخصیت وجایگاه زنان به پایین ترین حد تنزل یافته بود، به طوریکه مایه سرافکندگی به شمار میرفت که قرآن کریم میفرماید: «وَأِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُم بِالْأُنثَىٰ ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ» (نحل/۵۷) و هرگاه به یکی از آنها بشارت دهند که دختری نصیب توشده، صورتش [از فرط ناراحتی] سیاه میشود و به شدت خشمگین میگردد. «دین اسلام با قوانین خود و گفتار و رفتار پیامبری که رحمة للعالمین بود، شخصیت ازدست رفته زنان را احیا کرد و او را مایه رحمت وبرکت معرفی نمود، و در آیات قرآن خداوند تاکید دارند که برتری انسانها و گرامی بودن آنها در میزان تقوای آنهاست.

شهید مطهری این مسئله را این طور بیان میکند:

اگر بخواهیم ببینیم نظر قرآن درباره خلقت زن و مرد چیست، لازم است به همسانی سرشت زن و مرد - که در سایر کتب مذهبی نیز مطرح است - توجه





کنیم، قرآن نیز در این موضوع سکوت نکرده است. باید ببینیم قرآن زن و مرد را یک سرشستی می‌داند یا دوسرشتی؛ یعنی آیا زن و مرد دارای یک طینت و سرشت می‌باشند و یا دارای دو طینت و سرشت؟ قرآن با کمال صراحت در آیات متعددی می‌فرماید که زنان را از جنس مردان و از سرشتی نظیر سرشت مردان آفریده ایم. قرآن درباره خلقت اول می‌گوید: «همه شما را از یک پدر آفریدیم و جفت آن پدر را از جنس خود او قرار دادیم. درباره همه آدمیان می‌گوید: «خداوند از جنس خود شما برای شما همسر آفرید در قرآن، از آنچه در بعضی از کتب مذهبی هست که زن از مایه‌ای پست‌تر از مایه مرد آفریده شده و یا اینکه به زن جنبه طفیلی و چپی داده‌اند و گرفته‌اند که همسر آدم اول از عضو یا از اعضای طرف چپ او آفریده شده، اثر و خبری نیست. علی‌هذا در اسلام نظریه تحقیق‌آمیزی نسبت به زن از لحاظ سرشت و طینت وجود ندارد. (مطهری، ۱۳۷۷، ص ۱۳۰)

### نگاه اجمالی به شخصیت زن از دیدگاه اسلام

در همه زمانها کسانی بوده هستند که اسلام و اعتقادات مسلمانان را زیر سوال می‌برند آنها دانسته اند یکی از راههای مهم برای ضربه زدن به مسلمان از طریق خدشه دار کردن اعتقادات آنهاست در ارتباط با زنان مسلمان میتوان مهمترین علتی را که نشان دهنده تبیض و تحقیر است در برابر مرد، همان پوشش و عفاف او را دانست که در قرآن هم بدان پرداخته شده است.

شهید مطهری به زیبایی به تبیین این مسئله پرداخته است:

«وقتی که ما به متن اسلام مراجعه می‌کنیم می‌بینیم نتیجه آنچه که اسلام در مورد زن می‌خواهد، شخصیت و گرانبها بودن است. در پرتو همین شخصیت و گرانبهای، عفاف در جامعه مستقر می‌شود، روانها سالم باقی می‌مانند، کانونهای خانوادگی در جامعه سالم می‌مانند و «رشید» از کار درمی‌آید. گرانبها بودن زن به این است که بین او و مرد در حدودی که اسلام مشخص کرده، حریم باشد، یعنی اسلام اجازه نمی‌دهد که جز کانون

خانوادگی، یعنی صحنه اجتماع، صحنه بهره برداری و التذاذ جنسی مرد از زن باشد چه به صورت نگاه کردن به بدن و اندامش، چه به صورت لمس کردن بدنش، چه به صورت استشمام عطر زنانه اش و یا شنیدن صدای پایش که اگر به اصطلاح به صورت مهیج باشد، اسلام اجازه نمی دهد. ولی اگر بگوییم علم، اختیار و اراده، ایمان و عبادت و هنر و خلاقیت چطور می گوید بسیار خوب، مثل مرد. چیزهایی را شارع حرام کرده که به زن مربوط است. آنچه را که حرام نکرده، برهیچ کدام حرام نکرده است. اسلام برای زن شخصیت می خواهد نه ابتذال. (همان، ص ۴۰۰)

### جایگاه اجتماعی زن در اسلام



برخی بر این باورند که اسلام زن را از فعالیت اجتماعی در جامعه برحذر میدارد و اساساً زن در اسلام موجودی منزوی و گوشه گیر است که بدور از اجتماع به زندگی خویش باید ادامه دهد.

اگرچه بررسی در مبانی اسلامی بپردازیم در نگاه اول بدین مهم خواهیم رسید که اساساً فلسفه ی حجاب و عفاف زن، جهت فعالیت و برخورد او در جامعه در نظر گرفته شده است زیرا زن در مقابل محارم و در منزل از نظر شرعی نیاز به پوشش ندارد بلکه برای حضور او در اجتماع است.

«در اسلام زنان چون مردان در مسائل اجتماعی پایگاه و جایگاهی مناسب دارند و از حرکتهای اجتماعی و فعالیتهای گروهی ممنوع نگردیده اند، بلکه طبق مسلمات قرآنی و حدیثی مسئولیتهای اجتماعی بسیار بطور یکسان متوجه مرد و زن است. البته تکلیف «جهاد» ابتدائی و جنگ تهاجمی از زنان برداشته شده است. قرآن می فرماید: **«والمؤمنون المؤمنات بعضهم اولیاء بعض**

**یأمرون بالمعروف وینهون عن المنکر و یقیمون الصلوٰة... مردان مومن و زنان مومن برخی بر برخی ولایت (سرپرستی) دارند به معروف یکدیگر را امر می کنند و از منکر باز می دارند و نماز می گذارند و زکات می دهند و از خدا و پیامبرش فرمان می برند، خدا اینان را رحمت خواهد کرد، خدا پیروز مند و حکیم است.** (توبه/۷۱)



در این فرموده خداوند، زنان چون مردان دارای مسئولیتهای بزرگ ولایت اجتماعی می‌باشند، از اینرو به هدایتگری و امر به معروف و بازدارندگی از زشتیها و ناهنجاریها در همه زمینه‌های سیاسی و فرهنگی و حقوقی می‌پردازند. با گستردگی مفهوم «منکر» و «معروف» در اسلام گستره دخالت‌های اجتماعی زن روشن می‌شود. بنابراین در همه عرصه‌هایی که مردان دخالت می‌کنند، مگر موارد استثنایی زنان نیز می‌توانند دخالت کنند.

پیامبر (صلی الله علیه و آله) طبق دستور قرآن کریم با زنان مستقلاً بیعت می‌کند و بر سر اصول و معیارهایی پیمان می‌بندد و بدین گونه این بدنه از جامعه اسلامی را با مسئولیتهای سیاسی اجتماعی خویش آشنا می‌سازد. درباره چگونگی این بیعت گفته‌اند که پیامبر (صلی الله علیه و آله) با زنان، با گفتار و کلام بیعت می‌کرد و یا اینکه دستور می‌داد ظرف آبی می‌آوردند و خود دست در ظرف فرو می‌برد سپس زنان دست در ظرف می‌نهادند و بدین گونه پیمان بزرگ رابطه فرد و دولت تحقق می‌یافت.

برخی گفته‌اند که بیعت با زنان در زمان پیامبر (صلی الله علیه و آله) از روی لباس و پوشش بوده است. در روز غدیر نیز در روایات آمده است که برای بیعت با زنان با امام علی (علیه السلام) ظرف آبی آوردند.

زنان در نهضت بزرگ اجتماعی — سیاسی هجرت نیز شرکت کردند و مهاجرت آنان چون مردان و بدون هیچ تفاوتی پذیرفته و در وحی شریف، به عنوان پدیده‌ای اصیل مطرح شد. آنهم در دورانی که زنان از اکثریت حقوق خویش محروم بودند و حق دخالت در کوچکترین مسائل اجتماعی را نداشتند. در نهضت‌های اجتماعی نیز زنان می‌توانند مشارکت داشته باشند و جریانها و حرکت‌های سالمی برای هدایت جامعه پدید آورند، مانند نهضت عاشورا و در دوران اخیر نقش زنان در نهضت تنباکو در زمان حاضر نقش آفرینی‌های حماسی زنان در انقلاب روشن است. جز یکی دو مورد در همه مسئولیتهای اجتماعی زنان می‌توانند شرکت کنند. تنهادر موضوع امامت که وضعیت استثنایی دارد. البته صعود به مقام عصمت و ولایت که جوهر اصلی نبوت و

امامت است در شأن زن نیز هست و به عنوان نمونه بانوی بزرگ حضرت فاطمه (سلام الله علیها) دارای این مقام است، لیکن رسالت و امامت اجتماعی که بادشورایهای طاقت فرسایی همچون جنگها... همراه است تکلیفی است که زن از آن معاف شده است» (دایرةالمعارف تشیع، ص ۴۹۴).

## زن از دیدگاه امام علی (علیه السلام) در نهج البلاغه

زن در نهج البلاغه با عباراتی چون عقرب، شر، ناقص العقل، ناقص الايمان و ناقص الهیره و... وصف شده اند که برخی شارحان نهج البلاغه نیز در جهت اثبات این مطلب و ترجمه و تفسیر خطبه های مربوط برآمدند. این سخنان حضرت در جوی از قدرت پرستی بوده است از اینرو بیشتر به نارساییها و کمبودهای زنان پرداخته که شارحان به ترجمه و تفسیر آن پرداخته اند. طبق نظر پژوهشگر معاصر سرکار خانم علائی رحمانی که تحقیقات گسترده ای پیرامون زن و نهج البلاغه به عمل آورده است:

"زن در نهج البلاغه ترسیم طرحی یک بعدی از چهره ی کامل زن در قرآن است. فضای این طرح را جوی آکنده از فتنه های زمانه و دسیسه های سیاسی در برگرفته است. زنان ما در نهج البلاغه با عباراتی چون عقرب، شر، ناقص العقل، ناقص الايمان، و ناقص البهیره وصف شده اند و مع الاسف اکثر شارحان نهج البلاغه نیز در جهت اثبات این مطلب برآمده اند" (علائی رحمانی، ۱۳۷۲، ص ۱۳)

واضح است همانطور که برای فهم بهتر قرآن باید به شأن نزول آن توجه نمود باید برای فهم بهتر نهج البلاغه هم شأن صدور کلام حضرت را باید مورد توجه قرار داد.

لذا آنچه در نهج البلاغه راجع به زن آمده است ناظر به زنان موجود در جامعه علی (علیه السلام)، خصوصا زنانی که فرماندهی یک جنگ بزرگ را هم در زمان حضرت به عهده داشتند، می باشد.



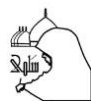
## زن و روابط اجتماعی

نظام اجتماعی در دین مبین اسلام با حیات انسانی پیوند محکمی دارد زیرا عرصه حیات اجتماعی، یکی از ساحت‌های مهم تکاپو و رشد و تعالی انسان به سوی کمال است و زن هم به عنوان یک انسان که باید در مسیر تعالی گام بردارد از آنجایی که یکی از مهمترین بُعد تربیتی انسان در اجتماع شکل می‌گیرد از اینرو اسلام برای زنان هیچ ممانعتی از حضور وی در جامعه ندارد اما برچگونگی فعالیت وی در ارتباط با بیگانگان جای بحث دارد.

اگرچه مسئولیت‌های طبیعی و کنش فطری زنان، احراز برخی از مشاغل (جهاد، حکومت و قضاوت) را برای شان محدود می‌سازد، اما فضای برای فعالیت‌های سیاسی و دیگر مشارکت‌های اجتماعی باز است. همان‌طور که پیامبر اکرم (ص) با تبیین اسلام و برداشت محدودیتها از زنان به بازسازی نقش زن در خانواده و خصوصا اجتماع پرداخت و آنان را در فعالیت‌های اجتماعی همچون بیعت، مسئولیت امر به معروف و نهی از منکر، هجرت، پناهندگی سیاسی و حرکات اجتماعی و... سهیم ساخت.

دیدگاه امام علی (علیه السلام) درباره نقش زن، همان دیدگاه اسلام ناب است، ولی از آنجاکه نقش امام (علیه السلام) در جامعه، مدد رساندن به انسان‌ها و رساندن آن‌ها به کمال مطلوب است. بینش دقیق جامعه‌شناسانه امام موجب شده که جهت حفظ سلامت زن، جامعه و دین در راستای فعالیت‌های اجتماعی زنان هشدارها و تذکراتی بدهند؛ زیرا زن‌ها به جهت ساختار روانی خاص خود، ظرافت روحی و قدرت عاطفه، بیش از مردان در معرض آسیب و هدف توطئه فتنه‌جویان قرار می‌گیرند.

اگرچه این روحیه حساس برای تربیت انسان و ایفای نقش مادری زن ضرورت دارد، ولی اگر در مسیر صحیح قرار نگیرد، در معرض خطر سوءاستفاده و بهره‌کشی غیرمعقول و ظالمانه قرار خواهد گرفت. نکته مهمی که امام علی (علیه السلام) نیز در جریان فعالیت‌های اجتماعی زنان مورد توجه





قرارداد، میزان آسیب‌پذیری آنان و پیشگیری از مورد بهره‌کشی قرار گرفتن است؛ زیرا شیادان و فرصت‌طلبان همیشه در کمین هستند.

خطبه ۸۰ امام علی (علیه السلام) که مربوط به بحران یک حادثه سیاسی (جنگ جمل) است، نمایانگر زمینه انحراف و سوءاستفاده از زن (ام المومنین) است، که خود هشدار است برای آن‌ها که در بحران‌ها و درگیری‌های سیاسی و اجتماعی قرار می‌گیرند و دانسته و نادانسته به ظلم و فساد جامعه کمک می‌کنند.

با توجه به بُعد اجتماعی زن و کمکشایانی که اجتماع در راستای کمال انسان دارد با در نظر گرفتن حدود و شئون زن در اجتماع از منظر امیر المومنان (علیه السلام)، میتوان معیار مناسبی را برای حضور و مشارکت زن در اجتماع را ارائه داد.

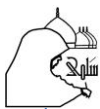
با تامل در نهج البلاغه، نقش و رابطه‌ی زن در جامعه را از منظر امام به دو صورت مستقیم و غیر مستقیم تعبیر کرد که فعالیت مسقیم او همان حضور فیزیکی زن در جامعه و خدمتی که بدون واسطه ارائه می‌دهد؛ و فعالیت غیر مستقیم وی را میتوان نقشی که زن در محیط خانواده برای پرورش فرزندان و همسررداری انجام میدهد، دانست که در اصل با جهادی که در خانواده دارد بزرگترین خدمت را به اجتماع دارد.

### ۱- نقش مستقیم زن در اجتماع:

با بررسی دقیق در سخنان امام علی (علیه السلام)، می‌توان پیرامون زن و فعالیت بیرون از خانه او بدین مهم رسید که، امیرالمومنان (علیه السلام) برای رابطه زن در اجتماع قائل به حذف آن نمی‌باشد، بلکه برای چگونگی حضور و فعالیت زن در جامعه بحث دارد.

از امیرمومنان چنین آمده است که فرمودند:

خِيَارُ خِصَالِ النِّسَاءِ شِرَارُ خِصَالِ الرِّجَالِ الزَّهْوُ وَ الْجُبْنُ وَ الْبُخْلُ  
فَإِذَا كَانَتِ الْمَرْأَةُ مَزْهُوَّةً لَمْ تُمْكِنْ مِنْ نَفْسِهَا وَ إِذَا كَانَتْ بَخِيلَةً حَفِظَتْ  
مَالَهَا وَ مَالَ بَعْلِهَا وَ إِذَا كَانَتْ جَبَّانَةً فَرِقَتْ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ يَعْرِضُ لَهَا (گزیده





ترین خوی های زنان ناپسندترین خویهای مردان است، تکبر کردن، ترسو و بخل ورزیدن، که چون زن متکبر باشد رخصت نمی دهد که کسی بدو دست یازد، و چون ترسو باشد از هر چیز که به او روی آورد می ترسد، و چون بخیل باشد مال خود و شوهرش را حفظ می کند). « حکمت ۲۳۴ »

ابن ابی الحدید در شرح خود این حکمت را این طور توضیح میدهند:

أخذ هذا المعنى الطغرائی شاعر العجم فقال:

الجود و الإقدام فی فتیانهم و البخل فی الفتيات و الإسفاقو الطعن  
فی الأحداق دأب رهاتهم و الرامیات سهاما الأحداق - وله - قد زاد  
طیب أحادیث الكرام بها ما بالکرائم من جبن و من بخل - . و فی  
حکمه أفلاطون من أقوى الأسباب - فی محبة الرجل لامرأته و اتفاق  
ما بينهما - أن يكون صوتها دون صوته بالطبع - و تمیزها دون تمیزه و  
قلبها أضعف من قلبه - فإذا زاد من هذا عندها شیء علیها عند  
الرجل - تنافرا علی مقداره - . و تقول زهی الرجل علينا فهو مزهو إذا  
افتخر - و کنلک نخی فهو منخو من النخوة - و لا يجوز زها إلا فی لغة  
ضعيفة - . و فرقت خافت و الفرق الخوف

طغرایی، شاعر عجم همین معنی را گرفته و چنین سروده است :

بخشش و دلیری در جوان مردان ایشان است و در دوشیزگان بخل و بیم ...  
از جمله سخنان حکمت آمیز افلاطون این است که می گوید: از  
نیرومندترین انگیزه ها در مورد محبت مرد نسبت به زنش و دوستی و اتفاق  
میان ایشان آن است که صدای زن فروتر از صدای مرد و خشم گرفتن او کمتر  
از خشم گرفتن مرد و دلش سست تر از دل او باشد و اگر در هر یک از این  
مورد زن بر مرد فزونی داشته باشد به همان اندازه میان آن دو تنفر پیدا می  
آید. (ابن ابی الحدید، ۱۳۷۸ق، ص ۲۳۱)

خصلتهای سه گلنه مورد ذکر همگی برای مردان ردایل و ناروایند در صورتی که برای زنان فضیلتند . و علت اینکه صفات مزبور فضیلت محسوب

می‌شوند، همان است که امام (علیه السلام) نقل فرمودند. قطعاً امام علی (علیه السلام) با توجه به روحیه ی زن و مرد چنین سخنی را ایراد کرده اند.

"استاد شهید مطهری، در مورد اشکال برخی افراد، به این سه ویژگی برای زنان می‌فرماید: آیا ویژگی‌های اخلاقی نسبی است و برای مرد به یک گونه است و برای زن به گونه دیگر؟! آیا این موضوع، نسبی بودن این صفات را نشان میدهد یا بیانگر آن است که در کلام امام (علیه السلام) نقش زن و مرد در زندگی از هم تفکیک شده است؟!

در واقع منظور امام بیان صفات شخصیتی نیست، بلکه رفتارهای ناشی از آن صفات مطرح است. به عنوان مثال آنجا که خداوند می‌فرماید: «**الله يستهزء بهم**» استهزاء صفت ناشایست است. چطور به خودش نسبت میدهد. یا آنجا که می‌فرماید: «**اگر بنده ای سه بار از خداوند درخواست بکند، بار سوم خطاب می‌آید که من از بنده خود حیا میکنم**». اگر این موارد و ویژگی‌ها انفعالی یا مذموم در شخصیت باشد، چگونه در مورد خداوند متعال درست است؟ پس در این موارد منظور شیوه تدبیر و ربوبیت خداوند است.

حضرت علی (علیه السلام) نیز برای از بین بردن این ذهنیت غلط، در تحلیل و تفسیر کلام خود می‌فرماید:

**«فاذا كلنت المرء مزهوه لم تمکن من نفسها»** اگر زنی در روابط اجتماعی خود همواره حریم و خط قرمزهایی را رعایت کند، به راحتی در دسترس قرار نمی‌گیرد و مورد آسیب پذیری نخواهد بود. «لم تمکن نفساً» خودش را در اختیار نخواهد گذاشت **«فاذا اكانت بخيله»** اگر صفت بخل داشته باشد **«حفظت مالها و مال بعلمها»** از ثروت خود، ثروت زندگی مشترک و ثروت شوهر محافظت میکند.

**«فاذا اكلنت جبلنه فرقت شییء يعرض لها»** اگر بترسد، در برابر خورد اجتماعی، ترس همراه با احتیاط و اضطراب خواهد داشت که دافع بسیاری از آفات و درگیری‌ها میباشد.





اما اینکه امام (علیه السلام) بهترین ویژگی زن را بدترین ویژگی مرد میدانند، میتوان نشان از آن باشد که از دیدگاه اسلام برخی صفات برای زن و مرد در موقعیت مشترک کاملاً متفاوت میباشد بافت وجودی و شخصیتی زن به گونه ای است که تصحیح رفتار و روابط وی، این نمونه صفات را میطلبد. شهید مطهری (ره) بیان می دارند:

دلیل اینکه ویژگیهای مطرح شده در این روایت بطور مطلق منظور نیست و شامل موارد خاصی میباشد، آن است که در مورد بخل هم اگر مطلق آن مطرح باشد، با مسلمات قرآن در تضاد است. آیه «ومن یوق شح نفسه» نقطه مقابل بخل را عامل رستگاری میداند. تکبر زن هم در برابر بیگانگان خواسته شده است و نه در برابر شوهر، زنان دیگر و یا محارم خود. بلکه تکبر جهت حفظ عفاف و انجام مسئولیتهای اجتماعی مدنظر است.

مطابق آیه «ومن یوق شح نفسه»، دنیازدگی مذموم است و کسیکه بتواند خود را از این پول پرستی نجات دهد، در مرحله رستگاری قرار میگیرد. بنابراین بهترین ویژگی زنان نیست که مال خود را مصرف نکنند.

حضرت زهرا (سلام الله علیها) به عنوان الگو عالمیان، اینطور نبودند که بخل را به طور مطلق داشته باشند.

همانطور که گفتم اسلام صفاتی را برای زن مطلوب میدانند که در مرد مطلوب و زیبنده نیست. البته مطلق این صفات مطلوب نمیشود، چون با مسلمات اسلام سازگار نیست. ترجیح و تشویق صفت تکبر، ترسو بخل به دلیل آسیب پذیری زن است. بخل و امساک در مورد اموال مشترک است. امام میفرماید: «اذا کلفت بخيله حفظت مالها و مال بعلمها» البته در حفظ اموال مشترک چه زن و چه مرد هر دو مسئولیت دارند". (شاملو، ۱۳۸۶، ص ۴۵)

زن گوهری به نام عفاف دارد که در برخوردهای اجتماعی این عفاف آسیب پذیر است، از این رو وی باید صفت لازم جهت عدم آسیب پذیری و یا آسیب پذیری کمتر را داشته باشد. در طول تاریخ وجود دارد که به عفاف زن تعرض شده است حتی به خاندان نبی علیه السلام که ماجرای اسرای کربلا

تداعی گر آن ست؛ لذا ترس برای حفظ شرف دینی زن است و تشویق این صفت، تشویق یک مشی احتیاط آمیز است.

عفاف یک امانت الهی برای زن است که برای مرد نیست. مرد متجاوز به عفت زن است، ولی زن چنین نیست. لذا نگهداری و حساسیت در حفظ عفت به عنوان اساس شخصیت و مکمل شرافت زن، به او توصیه شده است.

حضرت علی (علیه السلام) سه خصلت متانت، احتیاط و حسابگری را از ویژگی‌های مهم زن مسلمان می‌داند. از سخنان حضرت چنین استنباط می‌شود که زنان باید در مراودات اجتماعی، متلنت و در عین حال قاطعیت داشته باشند. اینکار برای جلوگیری از تعدی مردان بیمار دل، به آنها مفید است.



آن حضرت هم چنین یادآور می‌شود که زنان باید در مراودات اجتماعی، محتاط، دانا و زیرک باشند تا مورد طمع و سوءاستفاده قرار نگیرند و جامعه به چشم کالایی مصرفی به آنها نگاه نکند. علی (علیه السلام)، ویژگی دیگر زن مسلمان را، حسابگری بیان می‌کند. آن حضرت به زنان حسابگر ارج می‌نهد و متذکر می‌شود که زنان حسابگر و دقیق، از مال و آبروی همسر خویش مراقبت می‌کنند. بنابراین اگر یک زن به سه صفت متلنت، حسابگری و احتیاط مزین باشد به راحتی و آزادی می‌تواند در خلنه و اجتماع، گام‌های سازنده و موثری بردارد.

تاریخ زندگانی حضرت زهرا (سلام الله علیها) که الگوی تمام نمای زنان عالم و همسر حضرت علی (علیه السلام) می‌باشند سرشار است از مجاهدتها و حضور فعال ایشان در میدان خصوصا پس از مرگ پدر بزرگوارشان پیامبر (ص) آنهم در عرصه‌ی سیاسی برای دفاع از حریم ولایت.

مقام معظم رهبری درباره‌ی شانیت حضرت فاطمه (سلام الله علیها) چنین می‌فرماید:

«پیامبر عظیم الشان اسلام با این اعتقاد که فاطمه زهرا (سلام الله علیها) نمونه یک انسان کامل است، بردست او بوسه می‌زد و این امر نباید یک مسأله

عاطفی در نظر گرفته شود. نگرش اسلام به زن از بابت کامل معنوی و انسانی اوست و در بررسیهای مربوط به فرهنگ مسائل اجتماعی و پرورش علمی زنان باید بر این اساس عمل شود.»

همانطور که آمد سلاله ی پیامبر، نگین آفرینش هستی و الگوی تمام نمای زنان مسلمان در همه ی صحنه های اجتماع حضور فعال و موثر داشتند رهبرانقلاب در این زمینه چنین میگویند:

«در صحنه تعریف معنوی فاطمه زهرا (سلام الله علیها) وارد نمیشویم، لیکن در زندگی معمولی این بزرگوار، یک نکته مهم است و آن جمع بین زندگی یک زن مسلمان در رفتارش با شوهر و فرزندان و انجام وظایفش در خانه از یکطرف، و بین وظایف یک انسان مجاهد، غیور، خستگی ناپذیر در برخوردش با حوادث سیاسی مهم، بعد از رحلت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله)، که به مسجد میآید و سخنرانی و موضع گیری و دفاع میکند و حرف میزند و یک جهادگر به تمام معنا و خستگی ناپذیر و محنت پذیر و سختی تحمل کن است، از طرفی دیگر.»

از بُعد مجاهد تو حضور در صحنه ی تصمیم گیری های عظیم اجتماعی فاطمه زهرا در قلّه قرار دارد؛ یعنی بعد از رحلت پیامبر، زهرا ی اطهر (سلام الله علیها)، با همه ی وجود با سخنش، با علمش، با تلاشش، با همه ی جسمش وارد میدان شد. زندگی جهادی فاطمه ی زهرا بسیار عظیم، بی نظیر و یک نقطه ی درخشان و استثنایی است. اما مقام معنوی این بزرگوار، نسبت به مقام جهادی و انقلابی و اجتماعی او، باز به مراتب بالاتر است. (خامنه ای، ۱۳۹۰، ص ۱۱۱-۱۱۵)



## چگونگی نقش و فعالیت مستقیم زن در اجتماع

همانطور که آمد بانگهای ساده و گذرا به نهج البلاغه شاید بدین قائل شویم که از نظر ایشان زن باید فعالیت خود را در محیط خانواده خویش محدود کند اما با تامل در کلام حضرت علی و سیره ایشان و دختر پیامبر (صلی

الله علیه وآله) (بادر نظر نگرفتن این مساله که حضرت زهرا (سلام الله علیها) بدون امر همسر خویش فعالیتی انجام نمی دادند) و همچنین شرحی که صاحب نظران برسرخنان حضرت آورده اند (در بالا آمد) می یابیم که حضرت مانع فعالیت مستقیم زن در اجتماع نیستند هر چند که برای آن حدود محدودی با توجه به شخصیت و شانیت زن قائلند میتوان گفت از منظر امیر المومنین چگونگی نقش و فعالیت مستقیم زن در اجتماع به شکل زیر می باشد.

### ۱-۱- با تکبر و قاطعیت

همانطور که متذکر شدیم امام علی (علیه السلام) یکی از خصوصیات خوب زن را در برخورد با نامحرمان و بیگانگان تکبر وی میداند از نظر ایشان هنگامی که زن تکبر داشته باشد اجازه نمیدهد کسی به حریم او وارد شود. «فاذا كانت المره مزهوه لم تمکن من نفسها» چون زن متکبر باشد رخصت نمی دهد که کسی بدود ستیازد. با توجه به کششی که در زن وجود دارد اگر زن در اجتماع با غرور خویش سعی در برابر مرد نباشد خواهنا خواه ممکن است بیمار دلان به وی گرایش پیدا کنند و طمع ورزان به وی دست یابند.

خداوند متعال هم در این باره فرموده است :

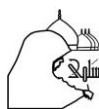
فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا

به نرمی سخن مگوئید تا آن مردی که در قلب او مرضی هست به طمع

افتد و سخن پسندیده بگوئید» (احزاب / ۳۲)

### ۱-۲- حفظ حریم و شأنت

بانگاهی به آیات قرآن کریم می توان دریافت که اشتغال فی نفسه برای زنان ممنوع نگردیده است. بسیاری از اطلاقات و دلالت های قرآن کریم نشان می دهد که زنان می توانند در فعالیت های اقتصادی جامعه مشارکت داشته و با حفظ حدود اسلامی به کسب و کار بپردازند. «لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ» (نساء / ۳۲) برای مردان از آنچه آبه



اختیار] کسب کرده‌اند بهره‌ای است و برای زنان [نیز] از آنچه [به اختیار] کسب کرده‌اند بهره‌ای است.

از حضرت علی(ع) روایت شده است که لَا تُمَلِّكِ الْمَرْأَةَ مِنَ الْأَمْرِ مَا يُجَاوِزُ نَفْسَهَا فَإِنَّ ذَلِكَ أَنْعَمٌ لِحَالِهَا وَ أَرْخَى لِبَالِهَا وَ أَدْوَمٌ لِحَمَالِهَا فَإِنَّ الْمَرْأَةَ رِيحَانَهُ وَ لَيْسَتْ بِقَهْرِمَانَهُ (کلینی، ۵۱۰) به زن بیش از حد و توانش کار واگذار مکن و این برای حالا و بهتر و برای زندگی او مناسب‌تر است؛ زیرا زن ریحانه است و قهرمان نیست. با توجه به عبارت حضرت که زن ریحانه است و مشخص نبودن حدود و آن و منحصر نبودن لفظ ریحلنه و قهرمان در کارهای سنگین خانه داری میتوان دریافت که این واژه برای مشاغل خارج از محیط منزل هم کاربرد دارد.

علاوه بر آن این روایت که نهی ارشادی است به وضع روحی و جسمی زنان اشاره دارد و بیانگر آن است که آنها باید وظایفی را برعهده گیرند که با وضعیت جسمانی و عاطفی‌شان متناسب باشد و آسایش و آرامش آنها را برهم نزنند. روایات دیگری نیز در مورد نحوه حضور زن در اجتماع وجود دارد که آنها را به رعایت عفت و تقوا و عدم اختلاط با مردان دعوت می‌کند.

امام علی (علیه السلام) در وصیتی به فرزندشان چنین می‌فرمایند:  
"لَيْسَ خُرُوجُهُنَّ بِأَشَدَّ مِنْ إِدْخَالِكِ عَلِيهِنَّ مِنْ لَأَيُوثِقُ بِهِ عَلِيهِنَّ وَ  
أَنَّ اسْتَطْعَتَ أَنْ لَا يَعْرِفَنَّ غَيْرَكَ فَافْعَلْ" «بیرون رفتن زنان از خانه، بدتر از  
وارد شدن افراد غیر مطمئن به خانه نیست اگر بتوانی کاری کنی که غیر تو  
را نشناسد چنان کن" (شیروانی، ۱۳۹۰، ص ۵۹۷)

ابن ابی الحدید در شرح این کلام حضرت می‌گوید:

"امام فرزند خود را از آوردن افراد نا صالح در میان زنان نهی می‌فرماید و فرمود: که خارج شدن آنان بهتر از آن است و علت آنهم این بوده است که در صفت اول ممکن است با یکدیگر خلوت کنند ولی در صفت دوم (خروج) به علت وجود کسانی که در مسیر هستند خلوت کردن، امکان ندارد"





برقراری روابط مستحکم با افراد خانه باید کسانی را که شایسته و درخور ایجاد این روابط باشند را انتخاب کرد که مورد اطمینان و امانت دار باشند

طبیعی است که بیرون رفتن زن در جامعه و برقراری روابط با مردم جامعه در مقایسه با روابطی که داخل خانه ایجاد میشود، چندان بازتاب منفی بر وضع خانواده نخواهد گذاشت.

منظور از عدم آشنایی زن با کس دیگری زندانی شدن زن در خانه نیست زیرا در شرع اسلام قانونی چنین قانونی وجود ندارد.

چه بسا منظور از شناخت زن به مرد معنایی وسیع تر باشد (ولایعرفن من غیرک) اشاره به آگاهی یافتن زن بر افکار و مفاهیم منحرف و مخالف بر افکار شوهر باشد که پایبند به طرق مستقیم است. زمانی که زن و شوهر مومن و صالح باشند افکار و خواسته های آنان نشأت گرفته از اسلام است ولی ورود افکار فاسد و اندیشه های نادرست و روشهای منحرفانه و جایگزین های منفی آن، اثر مخرب بر هستی و استقامت افراد جامعه خواهد گذاشت. (نجوی، ۱۳۸۴، ۲۰۹-۲۰۷)

مهیا کردن زمینه مطلوب جهت فعالیت در جامعه جز لاینفک اجتماع میباشد که در غیر اینصورت مهمترین نیاز افراد که امنیت است تحت تاثیر قرار میگیرد. ایجاد زمینه و بستر مناسب برای برقراری ارتباط های صحیح و متعالی که از نیازهای اساسی زنان است. حضرت علی (علیه السلام) میفرماید:

روابط خود را با افراد با شخصیت و اصیل و خاندان های صالح و خوش سابقه برقرار ساز و پس از آنها مردمان شجاع و سخاوتمند و افراد بزرگوار. چرا که آنها کانون کرم و مراکز نیکی هستند" (معین الاسلام، طبیی، ۲۴۷، ۱۳۸۱)

### ۳-۱- اندیشیدن عاقلانه



مشورت از اصول سیاست اجتماعی، اداری و نظامی اسلام است. که مهمترین هدف آن، یافتن بهترین گزینه و شیوه های اجرایی صحیح است. از اینرو، نمیتوان با هر کسی مشورت کرد.

علامه جعفری می نویسد: «نظام خانواده در اسلام، نظام شورایی با سرپرستی و مأموریت اجرایی مرد است (جعفری، ۱۰۴، ۱۳۷۸)

بالاتر آنکه در قرآن کریم، خداوند متعال در بعضی مسائل خانوادگی، دستور به رایزنی زن و مرد و افکار آنان داده است: «فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِّنْهُمَا وَتَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا» (بقره / ۲۳۳) «اگر پدر و مادر بخواهند بارضایت و مشورت یکدیگر، فرزندشان را زودتر از دو سال از شیر بازگیرند، مرتکب گناهی نشده اند.

با این اوصافی که در بالا آمد نقش زن در مشورت از دیدگاه اسلام مشخص میشود اما با مطالعه کلام حضرت علی (ع) ممکن است دچار تردید شویم!

امام علی (علیه السلام) در نامه ۳۱ به فرزندش میفرماید:

**ایاک و مشاوره النساء فان رایهن الی افن وعزمهن الی وهن ؛** از رایزنی با زنان بپرهیز، زیرا رای آنان سست بوده، در تصمیم گیری ناتوانند با توجه به اینکه در نهج البلاغه هم مانند قرآن بلید سبب صدور یک کلام توجه نمود بدین میرسیم که این سخن امام (ع) را نمی توان به سادگی پذیرفت جدای از آنکه نهج البلاغه تمام سخنان حضرت نیست بلکه فقط برگزیده ی سخنان بلیغ حضرت می باشد.

در بحار الانوار این حدیث بدین صورت آمده است :

**( ایاک و مشاوره النساء؛** از مشورت با زنان بپرهیزید) اما بلافاصله زنانی که کمال عقلشان آزموده و اثبات شده است استثنا می شود (الا من جربت بکمال عقل). (مجلسی، ۱۴۰۳)



بررسی روایات نقل شده از امام علی (علیه السلام) یا سایر روایات، اثبات می‌کند که مقصود از «برحذر بودن از زنان خوب» یا «برحذر داشتن از مشورت با زنان»، دقت در گفتار و لندیشه‌های زنان معمولی و بی‌ایمان هوس باز و کم‌خرد و تبه‌کار و تهی مغزی است که چشم از حقایق برتر فرو بسته‌اند. اما زنانی که از زر و زیور دنیا اعراض کرده و به تعقل پرداخته‌اند، مانند مردان شایسته، مورد مشورت هستند و به تعبیر علامه جعفری، روایاتی نظیر «**ایاک و مشاوره النساء إلیاً من جربت بکمال عقل**» «مؤید نظریه «درون‌شورایی و برون‌سرپرستی مرد» در نظام خانوادگی از دیدگاه اسلام است. (جعفری، ۱۳۷۸، ص ۱۰۴)



این گفتار اثبات می‌کند که مقصود از برحذر بودن از زنان خوب، دقت در گفتار و اندیشه‌های زنان معمولی است همچنان که توضیح دادیم اما زنانیکه دارای تجربه اجتماعی و کمتر احساسات خود را در تصمیمات عاقلانه دخیل می‌کنند، مانند مردان شایسته مشورت می‌باشند. برخی این مسأله را با توجه به جنبه تاریخی آن بررسی نموده و در این خصوص اظهار می‌دارند:

«حضرت دو گروه از زنان را مشخص می‌سازد: خوبان و بدان، سفارش حضرت به حذر کردن از خوبان به طور مطلق و کلی نیست تا گمان شود که آنها ناشایسته و فاقد صلاحیتند بلکه مقید به مواردی است که زنان خوب به جای التزام به شورا و قانون بر نظر خود اصرار کنند.

هدف امام از این سخن، جلوگیری از تبعیت عامه مردم از دعوت‌های جناب عایشه یا از دعوتهایی که سیاستمداران به او نسبت میدادند، بود. زیرا عموم مسلمانان، او را از زنان خوب میدانستند.

« **و لا تطیعوهن فی المعروف، حتی لا یطمعن فی المنکر.** در معروف

از آنها اطاعت نکنید تا در منکر به طمع نیفتند.» (خطبه ۸۰)

یکی دیگر از نکات بسیار ظریف که آن حضرت درباره‌ی زنان بیان می‌فرماید، توجه به نوع برخورد با آنان است. البته در این‌جا امام از نیروهایش



می‌خواهد در جنگ که وارد می‌شوید، مواظب باشید بازنانی که مخالف ماهستند، چگونه برخورد کنید آن هم وقتی در دوران جنگ — نه غیر آن — به نیروهایش دستوری دهد بازنانِ مخالفمان برخوردی تحریک‌آمیز نداشته باشید، کاملاً روشن است باموافقان باید چگونه رفتار کرد:

وَلَا تَهَيِّجُوا النِّسَاءَ بِأَدْوَى، وَإِنْ شَتَمْنَ أَعْرَاضَكُمْ، وَ سَبَبْنَ أَمْرَاءَكُمْ، فَإِنَّهُنَّ ضَعِيفَاتُ الْقَوَى وَالْأَنْفُسِ وَالْعُقُولِ؛ إِنْ كُنَّا لَنُؤَمِّرُ بِالْكَفِّ عَنْهُنَّ وَإِنَّهُنَّ لَمُشْرِكَاتٌ، وَإِنْ كَانَ الرَّجُلُ لِيَتَنَاوَلَ الْمَرْأَةَ فِي الْجَاهِلِيَّةِ بِالْفَهْرِ أَوْ الْهَرَاوَةِ فَيَعَيِّرُ بِهَا وَ عَقِبُهُ مِنْ بَعْدِهِ: زنان را با آزار دادن تحریک نکنید هر چند آبروی شما را بریزند یا امیران را و فرماندهانتان را فحش دهند زیرا آنان در نیروی بدنی و روانی و اندیشه، کم توانند؛ در روزگاری که زنان مشرک بودند، مأمور بودیم دست از آزارشان برداریم و در جاهلیت، اگر مردی با سنگ یا چوب‌دستی به زنی حمله می‌کرد، او و فرزندان او را سرزنش می‌کردند. (حکمت ۱۲۴)

### چگونگی نقش غیر مستقیم زن در اجتماع

خانواده بهترین زمینه ساز کمال زن و مرد است و آثار عمده‌ای در ارتقاء، رشد و پویایی جامعه ایفای کندوزن محور خانواده واصل آن بحساب می‌آید. به نظر می‌رسد هنگامی هم که زن در خانواده نقش خود را به بهترین نحو ایفا میکند یعنی مستقیماً حضور فیزیکی در جامعه ندارد دراصل بطور غیر مستقیم در اجتماع تاثیر می‌گذارد، از اینرو نمی‌توان این نقش کلیدی وی را در جامعه نادیده گرفت.

با تامل در سخنان گهر بار امیرامومنان (علیه السلام) میتوان به نقش غیر مستقیم زن در اجتماع از دو منظر پرداخت:

#### ۱-۲: نقش تربیتی

نقش زن در خانواده، از محوری‌ترین نقش‌هاست؛ زیرا دو وظیفه بسیار اساسی و حیاتی همسر داری و مادری را در خانواده بر عهده دارد که

از حیاتی ترین و اصل ترین نقش های ایجاد سلامت در اجتماع می باشد. زن، مظهر سکینه و مودت — که دو عامل مهم برای ایجاد سلامت روانی در افراد و نهایتاً در جامعه است

از اینرو ایفای وظیفه زن در کانون خانواده از سوی مولای متقیان علی (علیه السلام) به عنوان یک جهاد فی سبیل الله شمرده شده است: «جهاد المرأة حسن التبعل؛ جهاد زن حسن شوهرداری است».

امام علی (علیه السلام) در حکمت ۱۳۶ به صراحت اعلام کرده است: " الصَّلَاةُ قُرْبَانٌ كُلُّ تَقِيٍّ ، وَ الْحَجُّ جِهَادٌ كُلُّ ضَعِيفٍ ، وَ لِكُلِّ شَيْءٍ زَكَاةٌ وَ زَكَاةُ الْبَدَنِ الصِّيَامُ ، وَ جِهَادُ الْمَرْأَةِ حُسْنُ التَّبَعْلِ "

«نماز باعث نزدیکی هر پرهیزگار [به خدا] است، حجّ جهاد هر ناتوان است، و برای هر چیزی زکاتی است و زکات بدن، روزه داشتن است، و جهاد زن، خوش رفتاری با همسر است.»

ابن میثم در این باره میفرماید:

تبعل یعنی رفتار با شوهر و برخورد با او، این عبارات اشاره دارد به برخی از اسرار عبادات: از جمله اسرار نماز آن است که وسیله نزدیکی به خدای تعالی است، قبلاً معلوم شد که بزرگترین وسیله عبادی که پرهیزگاران بدان وسیله به خدا نزدیک می شوند، نماز است.

و از جمله اسرار حجّ آن است که حجّ به خاطر آن مشقّاتی که سفر حج دارد و مشکلاتی که در طبیعت است و مقاومت نفس اماره با تمام قدرت خود [که این اعمال چه فایده ای دارند] به خاطر شبهه ای که از جهت بی اطلاعی از اسرار حجّ و فایده آن پیش می آید - بآنچه در کیفیت اعمال حجّ (مانند رمی جمره و...) است که باعث تعجب نادانان می گردد - نوعی جهاد در راه خداست و اما اینکه امام (علیه السلام) تنها ناتوانان را ذکر کرده به خاطر جذب اینان به این عبادت است و از طرفی توانایی جهاد دیگری دارند که مشهور و روشن است. و از جمله اسرار روزه داری آن است که روزه زکات بدن است، به دلیل آنکه نیروی بدن را می کاهد و شهوتش را درهم می شکند، به





خاطر دستورالاهی و اجر اخروی. و از جمله اسرار شوهرداری، خوش رفتاری با شوهر، و فرمانبرداری از او در راستای اطاعت خداست، و این عمل باعث درهم شکستن نفس آماره زن و تسلیم او در راه خداست. (بحرانی، ۱۳۶۲، ص ۵۳۸)

عبارت فوق اشاره به نقش کلیدی و مهم زن در خانواده دارد و البته در جای دیگری هم امام (علیه السلام) فرمود:

كَتَبَ اللَّهُ الْجِهَادَ عَلَى الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ، فَجِهَادُ الرَّجُلِ بَدَلُ مَلِهِ  
وَنَفْسِهِ حَتَّى يُقْتَلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَجِهَادُ الْمَرْأَةِ أَنْ تَصْبِرَ عَلَى مَا تَرَى  
مِنْ أَدَى زَوْجِهَا وَغَيْرَتِهِ؛

خداوند جهاد را بر مردان و زنان لازم دانسته است. پس جهاد مرد، آن است که از مال و جانش بگذرد تا جائی که در راه خدا کشته و شهید شود. و جهاد زن آن است که در مقابل زحمات و صدمات شوهر و بر غیرت و جوانمردی او صبر نماید. (عاملی، ۱۴۲۴، ص ۲۳)

## ۲-۲: نقش وراثتی

زن علاوه بر وظیفه همسری، نقش بسیار مهم دیگری هم در زمینه تربیت کودکان، که در واقع تأمین نیروی انسانی جامعه است، بر عهده دارد، میتوان گفت این مهم که عوامل ژنتیکی و وراثتی میباشد، بیشتر به صورت نا خودآگاه است و کمتر خودآگاه صورت میگیرد؛ اما اگر زن یامادر شخصا بر این نقش خود واقف باشد میتواند قبل از بارداری، در حین بارداری و پیا در دوران شیردهی به تمرین و پیا اصلاح نفس در جهت مورد نظر بپردازد تا علاوه بر تاثیر بیشتر در راستای مطلوب و دلخواه اجتماع گام بردارد.

پیامبر (صلی الله علیه وآله) می فرمایند:

«أَنْظِرْ فِي آيٍ نِصَابٍ تَضَعُ وَلَدَكَ فَانَّ الْعِرْقَ دَسَّاسٌ»

با خانواده ای نیکوکار وصلت کنید؛ زیرا ژنها در فرزندان اثر میگذارد (نهج

الفصاحه، ۲۶۶)

خداوند هم در قرآن بدین مطلب اشاره دارد هنگامیکه نوح از خداوند میخواهد قوم فاسد را نابود:

«وَقَالَ نُوحٌ رَبِّ لِمَا نَذَرْتُ عَلَى الْأَرْضِ مِنَ الْكَافِرِينَ بَيِّنَاتٍ \* إِنَّكَ إِن تَذَرَهُمْ يُضِلُّوا عِبَادَكَ وَلَا يَلِدُوا إِلَّا فَاجِرًا كَفَّارًا

پروردگارا! هیچ کس از کافران را بر روی زمین باقی مگذار! چرا که اگر آنها را باقی بگذاری جز نسلی فاجر و کافر به دنیا نمی آورند. «(نوح/۲۷، ۲۶)

مراقبت های معنوی مادران اهمیت بیشتری نسبت به پدران دارد زیرا پدران پس انعقاد نطفه تاثیر کمتری بر فرزندان دارند اما مادران در تمام ایام حمل و دوران شیردهی در فرزند تاثیر گذارند.

حضرت علی (علیه السلام) پس از حضرت زهرا (سلام الله علیها) به برادرش عقیل که آگاه به نسب عرب بود فرمود:

«أَنْظِرِ امْرَأَةً قَدْ وَلَدَتْهَا لِلدُّحُولَةِ الْعَرَبُ» برای من زنی انتخاب کن که از مادران شجاع عرب بدنیا آمده باشد.

عقیل پس از مدتی به حضرت عرضه داشت :

«بافاطمه کلابیه ازدواج کن، که در عرب شجاع تر از پدران اونیست» حضرت او را به همسری انتخاب کرد که نتیجه آن چهار پسر رشید، شجاع ، با صلابت و مومن چون قمر بنی هاشم و برادرانش شد.

محمد حنفیه فرزند علی ابن ابی طالب (علیه السلام) در جنگ جمل که به عنوان پرچمدار لشکر بود قدری پیش میرفت؛ عقب نشینی می کرد، حضرت علی (علیه السلام) از ضعف فرزندش سخت آزرده شد و به او فرمود: «این ضعف وسستی را از مادرت به ارث برده ای»؛ یعنی من که پدر تو هستم ترسی ندارم. اگر ما در شریف و پر فضیلتی چون صدیقه اطهر می داشتی، نمی ترسیدی و این ترس را از مادر ضعیف خود به ارث برده ای. (قاسمی، ۱۳۹۱، ص ۹۴)

همانطور که آمد تاثیر مادر بر فرزند تنها در دوران بارداری و قبل از آن نیست:



امام (علیه السلام) در مورد تغذیه کودک با شیرمادر و نقش آن در پرورش شخصیت کودک فرموده است: « مَا مِنْ لَبَنٍ رَضِعَ بِهِ الصَّبِيُّ أَعْظَمَ بَرَكَهً عَلَيْهِ مِنْ لَبَنِ أُمَّهِ؛ هیچ شیری که به کودک داده می‌شود، از شیر مادرش عظمت و برکتش بیشتر نیست.»

امام علی (علیه السلام) به تأثیر شیردهی در بنای ساختار شخصیتی و اعتقادی به اندازه ای اهمیت می‌دادند که افراد را به توجه و داشتن حساسیت نسبت به این مسئله سفارش کرده و فرموده است: «برای شیردادن آن چنانکه برای ازدواج (حساسیت به خرج می‌دهید) انتخاب می‌کنید، برای شیر دادن انتخاب کنید؛ زیرا شیردادن طبیعت را تغییر می‌دهد.» (کلینی، ۱۳۰۳، ص ۹۳) طبیعی است که مادر با شیردهی خود فقط فرزند خود را تغذیه جسمی نمی‌کند؛ بلکه تغذیه عاطفی، اعتقادی، شخصیتی و در واقع تمامی وجود فرزند از شیردهی متأثر می‌گردد و این بنا بر تعبیر امام علی (علیه السلام)، یکی از مهم‌ترین نقش‌های زن در خانواده است. حضرت علی (علیه السلام) نقش مادر را در ایجاد سجایای اخلاقی در فرزندان بسیار مهم دانسته و فرموده است:

**حُسْنُ الْأَخْلَاقِ بُرْهَانُ كَرَمِ الْأَعْرَاقِ.** حسن اخلاق دلیل بر شرافت خانوادگی است.. (معین الاسلام، ۱۳۹۱، ص ۶۷)

با توجه به مطالب مذکور لازم است اشاره شود که اساساً یکی از مهمترین و اصلی‌ترین وجوه نقش آفرینی زنان همین نقش آخری است که عنوان شد، چرا که تربیت نسل و روانه نمودن نسل برای جریان‌سازی در اجتماع همگی در محیط خانواده بوجود می‌آید. به عبارتی به هر میزان که محیط خانواده و در راس آن مادر به عنوان منبع تربیت بتوانند در تربیت انسانی خداجو و الهی تلاش نمایند به همان میزان می‌تواند انسان‌هایی مفید و متعهد برای جامعه تربیت نماید. در واقع ساحت تربیتی زن در محیط خانه نیز همان ساحت تربیتی او در اجتماع است.

**نتیجه**





دیدگاه امیر المومنین (علیه السلام) درباره نقش زن، دیدگاه اسلام ناب است، لذا جهت حفظ سلامت زن و جامعه، در راستای فعالیت‌های اجتماعی زنان هشدارها و تذکراتی می‌دهند.

با توجه به بُعد اجتماعی زن و کمک شایانی که اجتماع در راستای کمال انسان دارد با در نظر گرفتن حدود و شئون زن در اجتماع از منظر امیر المومنان (علیه السلام)، معیار مناسبی از کلام خود حضرت، برای حضور و مشارکت او میشود ارائه داد که با تامل در سخنان امیر المومنان (علیه السلام) چگونگی نقش و فعالیت مستقیم زن در اجتماع را بارعایت نکاتی چون: تکبر و قاطعیت، حفظ حریم و قاطعیت و اندیشیدن عاقلانه می‌یابیم و نحوه ایفای نقش غیر مستقیم زن را هم در کلام حضرت؛ نقش تربیت‌یافته در خانواده و نقش وراثتی می‌توان دانست.

از این رو مجموعه صحبت‌های حکیمانه امام علی (علیه السلام) پیرامون نقش کلیدی و محوری زن در اجتماع، علاوه بر مطلقیت با دستورات دین، حکایت از مؤثرترین و شایسته‌ترین خدمت‌های زن به اجتماع و اسلام دارد.

## منابع

۱. ترجمه مکارم شیرازی (۱۳۸۹)، قرآن کریم، مرکز طبع و نشر قرآن جمهوری اسلامی ایران، بیروت، چاپ دوم
۲. ترجمه ابوالقاسم پاینده (۱۳۳۷)، نهج الفصاحه (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول (ص) چاپ اسلامیة
۳. المتزلی، ابن ابی الحدید (۱۳۷۸ ق)، شرح نهج البلاغه، مصر، دارالاحیاء الکتب العربیة، الطبعة اولی
۴. بحرانی، ابن میثم، (۱۳۶۲) شرح نهج البلاغه، قم، دفتر تبلیغات اسلامی
۵. جعفری، محمدتقی (۱۳۷۸)، زن از دیدگاه امام علی (ع)، تنظیم و تلخیص محمد رضا جوادی، تهران، نشر فرهنگ اسلامی





۶. صالح الجواد، نجوی (۱۳۸۴)، زن در نهج البلاغه، قم، زمزمه زندگی، چاپ اول
۷. عاملی، شیخ حرّ (۱۴۲۴هـ)، وسائل الشیعه، بیروت، موسسه آل بیت علیهم الاحیاء التراث، الطبعة الثانیه، جزءمائه
۸. علّائی رحمانی (۱۳۷۲)، فاطمه، زن در نهج البلاغه، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ سوم
۹. قاسمی، محمدعلی (۱۳۹۱)، سرچشمه ی تربیت، قم، نورالزهرا، چاپ دوم
۱۰. کلینی، محمدبن یعقوب (۱۳۰۳هـ)، فروغ کافی، تهران، کتابخانه اسلامی
۱۱. شاملو، عباس (۱۳۸۶)، گفتگو با مجله کتاب زن، شماره ۱۱
۱۲. شیروانی، علی (۱۳۹۰)، ترجمه نهج البلاغه، قم، معارف
۱۳. مرکز صهبا (۱۳۹۰)، انسان ۲۵۰ ساله، تهران، چاپ چهارم، موسسه جهادی
۱۴. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳)، بحار الانوار، موسسه الوفاء، الطبعة الثانیه، جزء خامس عشر
۱۵. معین الاسلام، مریم (۱۳۹۱)، زن در نهج البلاغه بانگ روشی روان شناختی، ماهنامه جامعه، بخش چهارم، شماره ۹۴
۱۶. معین الاسلام، مریم، ناهیدطیبی (۱۳۸۱)، روانشناسی زن در نهج البلاغه، قم، بهشت پیشین، چاپ دوم
۱۷. مطهری، مرتضی (۱۳۷۷)، مجموعه آثار، تهران، صدرا، چاپ اول، جلد ۱۷